

تفسیر سوره

بروج

سیمای سوره بروج

این سوره بیست و دو آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است و مراد از آن، ستارگان درخشان است که همچون برج بلند در آسمان می درخشند.

این سوره با بیان جنایات گروهی شکنجه گر آغاز می شود که گودالی عمیق حفر می کردند و آتشی عظیم در آن می افروختند و مؤمنان را به سوزاندن در آتش تهدید می کردند و هر که دست از ایمان بر نمی داشت، در آتش می افکندند. خداوند نیز آنان را به آتش سخت دوزخ وعده می دهد که با آتش دنیا قابل مقایسه نیست و بدین وسیله مؤمنان را دلداری می دهد و آنان را به مقاومت در برابر ستمگران دعوت می نماید.

ادامه سوره، اشاره ای گذرا به ماجرای فرعون و قوم ثمود دارد که چگونه با همه قدرتی که داشتند، در برابر اراده الهی شکست خوردند و به هلاکت رسیدند. آیات پایانی سوره، بیانگر عظمت قرآن و جایگاه والای وحی الهی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿۲﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿۳﴾ وَشَاهِدٍ
وَمَشْهُودٍ ﴿۴﴾ قَتَلَ أَصْحَابَ الْأَخْضُدِ ﴿۵﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ
﴿۶﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿۷﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ
شُهُودٌ ﴿۸﴾ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ
﴿۹﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است. به روز موعود سوگند.
به شاهد و مشهود سوگند. مرگ بر صاحبان گودال (پر آتش). همان آتش
پر هیزم. آنگاه که آنان بالای آن نشسته بودند. و تماشاگر شکنجه‌ای
بودند که نسبت به مؤمنان روا می‌داشتند. آنان هیچ ایرادی به مؤمنان
نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. آن که
حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و خداوند بر هر چیز گواه است.

نکته‌ها:

□ «بُرُوج» جمع «بُرْج» به معنای امر ظاهر و آشکار است، چنانکه «تَبْرَج» به معنای آشکار
ساختن زینت است. اگر به عمارت‌های بلند و مرتفع، برج گفته می‌شود، از آن جهت است که
در میان دیگر ساختمان‌ها، آشکارتر است. مراد از «بروج» در این آیات، ستارگان آسمان
است که همچون برجی بلند، از دور آشکار و درخشان هستند. چنانکه در آیه‌ای دیگر

می‌فرماید: ﴿و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناها للناظرین﴾^(۱)

□ برای آیه ﴿شاهد و مشهود﴾ حدود سی مصداق گفته شده است، از جمله اینکه شاهد، خداوند و مشهود، ما سوی الله است، یعنی سوگند به خالق و به کل هستی.

امام حسن علیه السلام می‌فرماید:^(۲) مراد از شاهد، پیامبر است به دلیل آیه ﴿انّا ارسلناک شاهداً...﴾^(۳) و مراد از مشهود، قیامت است، به دلیل آیه ﴿ذلک یوم مجموع له الناس ذلک یوم مشهود﴾^(۴)

□ «وقود» به معنای آتش گیرانه و مایه سوخت است.

□ «أخدود» به معنای گودال عمیق است و مراد از «اصحاب الاخدود» کسانی هستند که در زمین گودالی وسیع ایجاد کردند و آتشی بزرگ در آن افروختند و سپس مؤمنان را در آتش انداخته و آنان را زنده زنده سوزاندند. چنانکه در مورد حضرت ابراهیم نیز چنین عمل کردند. اما اینکه این ستمگران و آن مؤمنان چه کسانی بودند، روایات گوناگونی وارد شده، ولی در قرآن ذکری از آنها به میان نیامده است.

پیام‌ها:

۱- همه هستی در نزد خداوند ارزش دارد و قابل سوگند است، از جمله: آسمان و ستارگانش. ﴿و السماء ذات البروج﴾

۲- از قیامت غافل نباشید که میعادگاه همه است. ﴿الیوم الموعود﴾

۳- شما و کارهایتان، همه زیر نظر است، آن هم زیر نظر خدا. ﴿و شاهد و مشهود﴾

۴- اعلام برائت و اظهار تنفر از ستمگر لازم است. ﴿قتل اصحاب الاخدود﴾

۵- در نقل تاریخ، عبرت‌ها مهم است نه جزئیات. (از مکان اخدود، زمان حادثه، نام و تعداد ستمگران و تعداد شهدا و... سخنی به میان نیامده است، چون اثری در گرفتن عبرت ندارد.) ﴿قتل اصحاب الاخدود﴾

۱. حجر، ۱۶. ۲. تفسیر نور الثقلین. ۳. احزاب، ۴۵.

۴. هود، ۱۰۳.

۶- تفکر ظلم ستیزی و ظالم کوبی ارزش است، گرچه ظالم وجود نداشته باشد. (اصحاب اخدود امروز حضور ندارند، چنانکه ابولهب امروز نیست، روحیه تنفر از آنان باید همچنان زنده باشد. ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾) ﴿قتل اصحاب الاخدود﴾

۷- سوزاندن، سخت‌ترین نوع عذاب است و در میان انواع کشتن‌ها، خداوند نام در آتش انداختن مؤمنان را برده است. ﴿النار ذات الوقود﴾

۸- نقل ظلم‌ها و مظلومیّت‌ها و ذکر مصیبت و روضه خوانی، سابقه قرآنی دارد. ﴿اصحاب الاخدود النار ذات الوقود اذ هم علیها قعود...﴾

۹- ارتکاب گناه یک مسئله است، ولی سنگدلی و نظاره‌گری و رضایت بر آن، مسئله دیگر. ﴿و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود﴾

۱۰- ستمگرانی که شاهد بر شکنجه مؤمنانند، بدانند که خدا شاهد بر آنان و کار آنهاست. ﴿شاهد و مشهود - هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود﴾

۱۱- پایداری بر ایمان، تاوان دارد. ﴿و ما تقموا منهم الا ان یؤمنوا﴾ (جمله ﴿یؤمنوا﴾ به جای «آمنوا» رمز آن است که کفار از پایداری مؤمنان ناراحت بودند و اگر دست بر می‌داشتند شکنجه‌ای در کار نبود.)

۱۲- منطق کافر، تهدید و انتقام است. ﴿و ما تقموا منهم﴾

۱۳- در نزد کفار، ایمان بزرگترین جرم است و جز با دست برداشتن از ایمان به چیز دیگری راضی نمی‌شوند. ﴿و ما تقموا منهم الا ان یؤمنوا...﴾

۱۴- کافران بدانند که حامی مؤمنین خدای عزیز است که قدرت انتقام دارد. ﴿یؤمنوا باللّه العزیز﴾

۱۵- جاذبه اتصال به خدای قادر، اشکالات وارده بر شهادت و از جان گذشتگی در راه خدا را حل می‌کند. ﴿یؤمنوا باللّه العزیز الحمید﴾

۱۶- حکومت واقعی از آن خداوند است. ﴿له ملک السموات و الارض﴾

۱۷- حکومت الهی همراه با علم و حضور اوست. ﴿والله علی کلّ شیء شهید﴾

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا
 فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقِ ﴿۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ
 عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ
 الْكَبِيرُ

همانا کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد آزار و شکنجه قرار دادند
 و توبه نکردند، پس برای آنان عذاب دوزخ و همچنین عذاب سوزان است.
 همانا برای کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند، باغ‌هایی بهشتی
 است که نهرها از زیر آن جاری است، این است رستگاری بزرگ.

نکته‌ها:

- «فتنة» در اصل به معنای قرار دادن طلا در آتش، برای به دست آوردن میزان خلوص آن
 است و در اصطلاح، به معنای عذاب و شکنجه و یا آزمایش‌های سخت نیز به کار می‌رود.
 اما در آیه مورد بحث به معنای عذاب و آزار است.^(۱) چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:
 ﴿يَوْمَ هَمَّ عَلَى النَّارِ يَفْتَنُونَ ذُوقُوا فَتَنَتِكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾^(۲)
- در حوادث تلخ و سخت تاریخ، همواره زنان و مردان مؤمن در کنار یکدیگر بوده‌اند و نقش
 زنان در حرکت‌های اصلاحی و انقلابی فراموش نشدنی است. لذا ستمگران جنایتکار نیز،
 آنان را همچون مردان مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند. ﴿فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

پیام‌ها:

- ۱- اصحاب اخدود و همه شکنجه‌گران تاریخ، مورد قهر الهی هستند. ﴿الَّذِينَ فَتَنُوا
 الْمُؤْمِنِينَ...﴾
- ۲- زنان با ایمان در کنار مردان، آزار و شکنجه‌ها را به جان می‌خریدند. ﴿فَتَنُوا
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. ذاریات، ۱۳ و ۱۴.

- ۳- در دفاع از مظلوم، تفاوتی میان زن و مرد نیست. ﴿فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...﴾
 ۴- راه توبه همواره باز است و برای هیچ کس بن بست وجود ندارد و لذا یأس از رحمت خدا ممنوع است. (آری، خداوند حتی شکنجه گرانی که مؤمنان را می سوزانند، دعوت به توبه کرده است.) ﴿فَتَنُوا... ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا﴾
 ۵- خداوند توبه پذیر است، گرچه مدتی طول کشیده باشد. ﴿ثُمَّ﴾
 ۶- کیفر سوزاندن، سوزاندن است. ﴿النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ - عَذَابِ الْحَرِيقِ﴾
 ۷- بشارت و انذار باید همراه یکدیگر باشد. ﴿عَذَابِ الْحَرِيقِ... جَنَاتِ تَجْرِي...﴾
 ۸- بهترین لذت‌ها، لذت بردن از طبیعت است. ﴿جَنَاتٍ... أَنهَارٍ﴾
 ۹- برای کفّار شکنجه گر دو عذاب است: عذاب کفر و عذاب شکنجه. ﴿فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾
 ۱۰- دنیا زودگذر است. هم کامیابی‌های ستمگران گذراست و هم سختی‌های مؤمنان. به فکر آخرت باشید که عذاب دوزخیان بی پایان و پاداش بهشتیان، جاودان است. ﴿فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ... لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ - الَّذِينَ آمَنُوا... لَهُمْ جَنَاتٌ﴾

﴿۱۲﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ ﴿۱۴﴾ وَ هُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ ﴿۱۵﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿۱۶﴾ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ

همانا قهر و مجازات پروردگارت شدید است. بی تردید اوست که (آفرینش را) آغاز می‌کند و باز می‌گرداند. و هموست بخشنده و دوستدار (مؤمنین). صاحب عرش و دارای مجد و عظمت. آنچه را اراده کند حتماً انجام می‌دهد.

نکته‌ها:

- «بَطْش» به معنای گرفتن همراه با قهر و غلبه است.
- «عَرَش» به معنای تخت فرمانروایی و کنایه از تدبیر الهی است. عرش را به معنای

جایگاهی که همه هستی را در برگرفته است نیز گفته‌اند. بنابراین «ذوالعرش» یعنی صاحب همه هستی و مرکز اداره هستی.

پیام‌ها:

- ۱- قهر و غلبه الهی به گونه‌ای است که هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند مانع آن شود. ﴿انَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾
- ۲- قهر و کيفر از شئون ربوبیت و در جهت پیشبرد اهداف رسالت و دلداری پیامبر است. ﴿بَطْشَ رَبِّكَ﴾
- ۳- آفریدن و بازگرداندن، کار همیشگی خداوند است. ﴿انَّهٗ هُوَ يَبْدِئُ وَيُعِيدُ﴾
- ۴- قدرت خداوند بر آفریدن و بازگرداندن یکسان است. ﴿يَبْدِئُ وَيُعِيدُ﴾
- ۵- خداوند هم قهر و غلبه دارد و هم بخشش و محبت. ﴿بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٍ... وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ﴾
- ۶- علاوه بر آفریدن، تدبیر و فرمان‌روایی همه چیز برای اوست. ﴿ذُو الْعَرْشِ﴾
- ۷- در قهر و مهر، هیچ چیز مانع اراده الهی نیست. ﴿بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٍ - هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ - فَعَّالٌ لَمَّا يُرِيدُ﴾
- ۸- کارهای الهی محدودیت ندارد. ﴿لَمَّا يُرِيدُ﴾ (ناگفته پیداست که اراده الهی همراه با حکمت است و کاری که حکیمانه نباشد، اراده نمی‌کند تا انجام دهد.)

﴿۱۷﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿۱۸﴾ فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ ﴿۱۹﴾ بَلِ
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿۲۰﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿۲۱﴾ بَلِ
هُوَ قَرَأْنٌ مَجِيدٌ ﴿۲۲﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

آیا سرگذشت آن سپاه به تو رسیده است؟ (سپاه) فرعون و ثمود. آری، کافران (پیوسته) در تکذیب (حق) هستند. و خداوند از هر سو بر ایشان احاطه دارد. آری آن قرآن مجید است. که در لوحی محفوظ ثبت است.

نکته‌ها:

- قوم فرعون و ثمود، در قدرت و تمدن و امکانات، بالاترین اقوام بودند و در آیات دیگر قرآن به قدرت آنها اشاره شده است. لذا در اینجا از این دو قوم نام برده شده است.
- اعلام توانایی خداوند در قلع و قمع ابرقدرت‌ها، نوعی آرام بخشی به مؤمنان است.
- کلمه «قرآن» هرگاه با الف و لام بیاید، مراد از آن، کتاب قرآن است ولی بدون الف و لام، به معنای «مقروء» یعنی خوانده شده است. چنانکه در این آیات می‌فرماید: ﴿بل هو قرآن مجید﴾ یعنی الفاظ وحی بر پیامبر قرائت شده است.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا شنونده را تشنه کنیم، سپس سخن خود را بگوییم. ﴿هل اتاك حديث الجنود﴾
- ۲- باید از تاریخ گذشتگان آگاه بود و از برخورد خداوند با آنان عبرت گرفت. ﴿هل اتاك حديث الجنود فرعون و ثمود﴾
- ۳- مجهزترین سپاه و لشکرها در برابر قهر او ناچیزند. ﴿الجنود فرعون و ثمود﴾
- ۴- کافران، در تکذیب قرآن و وعده‌های آن اصرار و پافشاری دارند. ﴿بل الّذین کفروا فی تکذیب﴾
- ۵- ستمگران از مدار قدرت الهی خارج نیستند و هیچ راه گریزی ندارند، ولی خودشان نمی‌فهمند. ﴿و الله من ورائهم محیط﴾ (کلمه «ورائهم» نشانه غفلت آنان از علم و قدرت خداست).
- ۶- هم خداوند، صاحب مجد و عظمت است و هم قرآن او. ﴿ذو العرش المجید... بل هو قرآن مجید﴾
- ۷- لوحی که قرآن بر آن ثبت شده، برای ما ناشناخته است، گرچه در نزد خداوند محفوظ است. ﴿فی لوح محفوظ﴾
- ۸- قرآن، از هر گونه تهدید و تحریف بیمه است. ﴿قرآن مجید فی لوح محفوظ﴾

«والحمد لله رب العالمین»